شناخت مختصری از زندگانی امام حسن علیه السلام


بسم الله الرحمن الرحیم

شناخت مختصری از زندگانی امام حسن (ع)

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شناخت مختصری از زندگانی امام حسن (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده : جمعی از نویسندگان

ناشر : مجله حوزه

تولد و کودکی

امام حسن (ع) فرزند امیر مؤمنان علی بن ابیطالب و مادرش مهتر زنان فاطمه زهرا دختر پیامبر خدا (ص) است.

امام حسن (ع) در شب نیمه ماه رمضان سال سوم هجرت در مدینه تولد یافت.

وی نخستین پسری بود که خداوند متعال به خانواده علی و فاطمه عنایت کرد.

رسول اکرم (ص) بلافاصله پس از ولادتش، او را گرفت و در گوش چپش اقامه گفت.

سپس برای او بار گوسفندی قربانی کرد، سرش را تراشید و هموزن موی سرش - که یک درم و چیزی افزون بود - نقره به مستمندان داد.

پیامبر (ص) دستور داد تاسرش را عطر آگین کنند و از آن هنگام آیین عقیقه و صدقه دادن به هموزن موی سرنوزاد سنت شد.

این نوزاد را حسن نام داد و این نام در جاهلیت سابقه نداشت.

کنیه او را ابومحمد نهاد و این تنها کنیه اوست.

لقب های او سبط، سید، زکی، مجتبی است که از همه معروفتر مجتبی میباشد.

پیامبر اکرم (ص) به حسن و برادرش حسین علاقه خاصی داشت و بارها میفرمود که حسن و حسین فرزندان منند و به پاس همین سخن علی به سایر فرزندان خود می فرمود: شما فرزندان من هستید و حسن و حسین فرزندان پیغمبر خدایند.

امام حسن هفت سال و خرده‌ای زمان جد بزرگوارش را درک نمود و در آغوش مهر آن حضرت بسر برد و پس از رحلت پیامبر (ص) که با رحلت حضرت فاطمه دو ماه یا سه ماه بیشتر فاصله نداشت، تحت تربیت پدر بزرگوار خود قرار گرفت.

امام حسن (ع) پس از شهادت پدر بزرگوار خود به امر خدا و طبق وصیت آن حضرت، به امامت رسید و مقام خلافت ظاهری را نیز اشغال کرد، و نزدیک به شش ماه به اداره امور مسلمین پرداخت.

در این مدت، معاویه که دشمن سرسخت علی (ع) و خاندان او بود و سالها به طمع خلافت (در آغاز به بهانه خونخواهی عثمان و در آخر آشکارا به طلب خلافت) جنگیده بود، به عراق که مقر خلافت امام حسن (ع) بود لشکر کشید و جنگ آغاز کرد.

ما دراین باره کمی بعد تر سخن خواهیم گفت.

امام حسن (ع) از جهت منظر و اخلاق و پیکر و بزرگواری به رسول اکرم (ص) بسیار مانند بود.

وصف کنندگان آن حضرت او را چنین توصیف کرده اند:

دارای رخساری سفید آمیخته به اندکی سرخی، چشمانی سیاه، گونهای هموار، محاسنی انبوه، گیسوانی مجعد و پر، گردنی سیمگون، اندامی متناسب، شانه ایی عریض،استخوانی درشت، میانی باریک، قدی میانه، نه چندان بلند و نه چندان کوتاه.

سیمایی نمکین و چهره ای در شمار زیباترین و جذاب ترین چهره ها.

ابن سعد گفته است که حسن و حسین به ریگ سیاه، خضاب میکردند.

کمالات انسانی

امام حسن (ع) در کمالات انسانی یادگار پدر و نمونه کامل جد بزرگوار خود بود.

تـا پیغمبر (ص) زنـده بود، او و برادرش حسـین در کنـار آن حضـرت جـای داشـتند، گـاهی آنان را بر دوش خود سوار میکرد و می بوسید و می بویید.

از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده اند که درباره امام حسن و امام حسـین (ع) می فرمود: این دو فرزند من، امام هستند خواه برخیزند و خواه بنشینند (کنایه از این که در هر حال امام و پیشوایند).

امام حسن (ع) بیست و پنج بار حج کرد، پیاده، در حالی که اسبها نجیب را با او یدک میکشیدند.

هرگـاه از مرگ یـاد میکرد میگریست و هر گاه از قبر یاد میکرد میگریست، هر گاه به یاد ایسـتادن به پای حساب می افتاد آن چنان نعره میزد که بیهوش میشد و چون به یاد بهشت و دوزخ می افتاد، همچون مار گزیده به خود میپیچید.

از خدا طلب بهشت میکرد و به او از آتش جهنم پناه میبرد.

چون وضو می ساخت و به نماز می ایستاد، بدنش به لرزه می افتاد و رنگش زرد می شد.

سه نوبت دارائیش را با خدا تقسیم کرد و دو نوبت از تمام مال خود برای خدا گذشت.

گفته اندک: امام حسن (ع) در زمان خودش عابد ترین و بی اعتنا ترین مردم به زیور دنیا بود.

در سرشت و طینت امام حسن (ع) برترین نشانه های انسانیت وجود داشت.

هرکه او را می دید به دیده اش بزرگ می آمد و هر که با او آمیزش داشت بدو محبت می ورزید و هر دوست یا دشـمنی که سخن یا خطبه او را می شنید، به آسانی درنگ می کرد تا او سخن خود را تمام کند و خطبه اش را به پایان برد.

محمد بن اسحاق گفت: پس از رسول خدا (ص) هیچکس از حیث آبرو و بلندی قدر به حسن بن علی نرسید.

بر در خانه فرش می گستردند و چون از خانه بیرون می آمد و آنجا می نشـست راه بسته می شد وبه احترام او کسی از برابرش عبور نمی کرد و او چون می فهمید، برمی خاست و به خانه می رفت و آن گاه مردم رفت و آمد میکردند.

در راه مکه از مرکبش فرود آمد و پیاده به راه رفتن ادامه داد.

در کاروان همه از او پیروی کردند حتی سعد بن ابی وقاص پیاده شد و در کنار آن حضر ت راه افتاد.

ابن عبـاس که از امـام حسن و امـام حسـین (ع) مسن تر بود، رکـاب اسـبشان را میگرفت و بـدین کـار افتخـار میکرد و میگفت: اینها پسران رسول خدایند.

با این شأ ن و منزلت، تواضعش چنان بود که: روزی بر عده ای مستمند می گذشت، آنها پاره های نان را بر زمین نهاده و خود روی زمین نشسته بودند و میخوردند، چون حسن بن علی را دیدند گفتند: ای پسر رسول خدا بیا با ما هم غذا شو.

امام حسن (ع) فورا از مرکب فرود آمد و گفت: خدا متکبرین را دوست نمی دارد.

و با آنان به غذا خوردن مشغول شد.

آنگاه آنها را به میهمانی خود دعوت کرد، هم غذا به آنان داد و هم پوشاک.

در جود و بخشش امام حسن داستانها گفته اند

از جمله مدائنی روایت کرده که: حسن و حسین و عبدالله بن جعفر به راه حج میرفتند.

توشه و تنخواه آنان گم شد.

گرسنه و تشنه به خیمه ای رسیدند که پیر زنی در آن زندگی میکرد.
از او آب طلبیدند.
گفت این گوسفند را بدوشید و شیر آن را با آب بیامیزید و بیاشامید.
چنین کردند.
سپس از او غذا خواستند.
گفت همین گوسفند را داریم بکشید و بخورید.
یکی از آنان گوسفند را ذبح کرد و از گوشت آن مقداری بریان کرد و همه خوردند وسپس همانجا به خواب رفتند.
هنگام رفتن به پیر زن گفتند: ما از قریشیم به حج میرویم.
چون باز گشتیم نزد ما بیا با تو به نیکی رفتار خواهیم کرد.
و رفتند.
شوهر زن که آمد و از جریان خبر یافت، گفت: وای بر تو گوسفند مرا برای مردمی ناشناس میکشی آنگاه میگویی از قریش بودند؟
روزگاری گذشت و کار بر پیر زن سخت شد، از آن محل کوچ کرد و به مدینه عبورش افتاد.
حسن بن علی (ع) او را دید و شناخت.
پیش رفت و گفت: مرا می شناسی؟ گفت نه.
گفت: من همانم که در فلان روز مهمان تو شدم.
و دستور داد تا هزار گوسفند و هزار دینار زر به او دادند.
آن گاه او را نزد برادرش حسین بن علی فرستاد.
آن حضرت نیز همان اندازه به او بخشش فرمود.
او را نزد عبدالله بن جعفر فرستاد او نیز عطایی همانند آنان به او داد.
حلم و گذشت امام حسن (ع) چنان بود که به گفته مروان، با کوهها برابری میکرد.

بیعت مردم با حسن بن علی

هنگامی که حادثه دهشتناک ضربت خوردن علی (ع) در مسجد کوفه پیش آمد و مولی (ع) بیمار شد به حسن دستور داد که در نماز بر مردم امامت کند، و در آخرین لحظات زندگی، او را به این سخنان وصی خود قرار داد: پسرم فرزندانش و رؤسای شیعه و بزرگان خاندانش را بر این وصیت گواه ساخت و کتاب و سلاح خود را به او تحویل داد و سپس فرمود: پسرم سلاحم را به تو تحویل دهم.
همچنانکه آن حضرت مرا وصی خود ساخته و کتاب و سلاحش را به من داده است و مرا مأمور کرده که به تو دستور دهم در آخرین لحظات زندگیت، آنها را به برادرت حسین بدهی.
امام حسن (ع) به جمع مسلمانان درآمد و بر فراز منبر پدرش ایستاد.
خواست درباره فاجعه بزرگ شهادت پدرش، علی علیه السلام با مردم سخن بگوید.
آنگاه پس از حمد و ثنای بر خداوند متعال و رسول مکرم (ص) چنین گفت: همانا دراین شب آن چنان کسی وفات یافت که گذشتگان بر او سبقت نگرفته اند و آیندگان بدو نخواهند رسید.
و آن گاه درباره شجاعت و جهاد و کوشش هائی که علی (ع) در راه اسلام انجام داد و پیروزیها که در جنگها نصیب وی شد،

سخن گفت و اشاره کرد که از مال دنیا در دم مرگ فقط هفتصد درهم داشت از سهمیه اش از بیت المال، که میخواست با آن خدمتکاری برای اهل و عیال خود تهیه کند.

در این موقع در مسجد جامع که مالامال از جمعیت بود، عبیدالله بن عباس بپاخاست و مردم را به بیعت با حسن بن علی تشویق کرد. مردم با شوق و رغبت با امام حسن بیعت کردند.

واین روز، همان روز وفات پدرش، یعنی روز بیست و یکم رمضان سال چهلم از هجرت بود.

مردم کوفه و مدائن و عراق و حجاز و یمن همه با میل با حسن بن علی بیعت کردند.

پس از بیعت مردم، بـه ایراد خطبه ای پرداخت و مردم را به اطاعت اهل بیت پیغمبر (ص) که یکی از دو یادگار گران وزن و در ردیف قرآن کریم هستند تشویق فرمود، و آنها را از فریب شیطان و شیطان صفتان بر حذر داشت.

باری، روش زندگی امام حسن (ع) در دوران اقامتش در کوفه او را قبله نظر و محبوب دلها و مایه امید کسان ساخته بود.

حسن بن علی (ع) شرایط رهبری را در خود جمع داشت زیرا اولا فرزند رسول خدا (ص) بود و دوستی او یکی از شرایط ایمان بود، دیگر آنکه لازمه بیعت با او این بود که از او فرمانبرداری کنند.

امام (ع) کارها را نظم داد و والیان برای شهرها تعیین فرمود و انتظام امور را بدست گرفت.

اما زمانی نگذشت که مردم چون امام حسن (ع) را مانند پدرش در اجرای عدالت و احکام و حدود اسلامی قاطع دیدند، عده زیادی از افراد با نفوذ به توطئه های پنهانی دست زدند و حتی در نهان به معاویه نامه نوشتند و او را به حرکت به سوی کوفه تحریک نمودند، و ضمانت کردند که هرگاه سپاه او به اردوگاه حسن بن علی (ع) نزدیک شود، حسن را دست بسته تسلیم او میکنند یا ناگهان او را بکشند.

خوارج نیز بخاطر وحدت نظری که در دشمنی با حکومت هاشمی داشتند در این توطئه ها با آنها همکاری کردند.

در برابر این عده منافق، شیعیان علی (ع) و جمعی از مهاجر و انصار بودند که به کوفه آمده و در آنجا سکونت اختیار کرده بودند. این بزرگمردان مراتب اخلاص و صمیمیت خود را در همه مراحل – چه در آغاز بعد از بیعت و چه در زمانی که امام (ع) دستور جهاد داد ثابت کردند.

امام حسن (ع) وقتی طغیان و عصیان معاویه را در برابر خود دید یا نامه هایی او را به اطاعت عدم توطئه و خونریزی فرا خواند ولی معاویه در جواب امام (ع) تنها به این امر استدلال می کرد که: من درحکومت از تو با سابقه تر و در ا ین امر آزموده تر و به سال از تو بزرگترم همین و دیگر هیچ گاه معاویه در نامه های خود با اقرار به شایستگی امام حسن (ع) می نوشت: پس از من خلافت از آن توست زیرا تو از هر کس بدان سزاوارتری و در آخرین جوابی که به فرستادگان امام حسن (ع) داد این بود که برگردند، میان ما و شما بجز شمشیر نیست.

و بدین ترتیب دشمنی و سرکشی از طرف معاویه شروع شد و او بود که با امام زمانش گردنکشی آغاز کرد.

معاویه با توطئه های زهرآگین و انتخاب موقع مناسب و ایجاد روح اخلالگری و نفاق، توفیق یافت.

او با خریداری وجدانها پست و پراکندن انواع دروغ و انتشار روحیه یأس و در مردم سست ایمان، را به نفع خود فراهم میکرد و از سوی دیگر، همه سپاهیانش را به بسیج عمومی فراخواند.

امام حسن (ع) نیز تصمیم خود را برای پاسخ به ستیزه جویی معاویه دنبال کرد و رسما اعلان جهاد داد.

اگر در لشکر معاویه کسانی بودند که به طمع زر آمده بودند و مزدور دستگاه حکومت شام می بودند، اما در لشکر امام حسن (ع) چهره های تابناک شیعیانی دیده میشد مانند حجر بن عدی، ابو ایوب انصاری، و عدی بن حاتم... که به تعبیر امام (ع) یک تن از آنان افزون از یک لشکر بود.

اما در برابر این بزرگان، افراد سست عنصری نیز بودند که جنگ را با گریز جواب می دادند، و در نفاق افکنی توانایی داشتند، و فریفته زر و زیور دنیا می شدند.

امام حسن (ع) از آغاز این ناهماهنگی بیمناک بود.

مجموع نیروهای نظامی عراق را ۳۵۰ هزار نوشته اند.

امام حسن (ع) در مسجد جامع کوفه سخن گفت و سپاهیان را به عزیمت بسوی نخیله تحریض فرمود.

عدی بن خاتم نخستین کسی بود که پای در رکاب نهاد و فرمان امام را اطاعت کرد.

بسیاری کسان دیگر نیز از او پیروی کردند.

امام حسن (ع) عبید الله بن عباس را که از خویشان امام و از نخستین افرادی بود که مردم را به بیعت امام تشویق کرد، با دوازده هزار نفر به مسکن که شمالی ترین نقطه در عراق هاشمی بود اعزام فرمود.

اما وسوسه های معاویه او را تحت تأثیرقرار داد و مطمئن ترین فرمانده امام را، معاویه در مقابل یک میلیون درم که نصفش را نقد پرداخت به اردوگاه خود کشاند.

در نتیجه، هشت هزار نفر از دوازده هزار نفر سپاهی نیز به دنبال او به اردوگاه شتافتند و دین خود را به دنیا فروختند.

پس از عبیدالله بن عباس، نوبت فرماندهی به قیس بن سعد رسید.

لشکریان مقتول شدن او، روحیه سپاهیان امام حسن (ع) را ضعیف نمودند.

عده ای از کارگزاران معاویه که به (مدائن) آمدند و با امام حسن (ع) ملاقات کردند، نیز زمزمه پذیرش صلح را بوسیله امام (ع) در بین مردم شایع کردند.

از طرفی یکی از خوارج تروریست نیزه ای بر ران حضرت امام حسن زد.

به حدی که استخوان ران آن حضرت آسیب دید و جراحتی سخت در ران آن حضرت پدید آمد.

بهر حال وضعی برای امام (ع) پیش آمد که جز صلح با معاویه، راه حل دیگری نماند.

باری، معاویه وقتی وضع را مساعد یافت، امام حسن (ع) پیشنهاد صلح کرد.

امام حسن برای مشورت با سپاهیان خود خطبه ای ایراد فرمود و آنها را به جانبازی و یا صلح - یکی از این دو راه تحریک و تشویق فرمود.

عده زیادی خواهان صلح بودند.

عده ای نیز با زخم زبان امام معصوم را آزردند.

سرانجام پیشنهاد صلح معاویه مورد قبول امام حسن واقع شد، ولی این فقط بدین منظور بود که او را در قید و بند شرایط و تعهداتی گرفتار سازد که معلوم بود کسی چون معاویه دیر زمانی پای بند آن تعهدات نخواهد ماند، و در آینده نزدیکی آنها را یکی پس از دیگری زیر پای خواهد نهاد، و در نتیجه، ماهیت ناپاک معاویه و عهد شکنی های او و عدم پای بندی او به دین و پیمان، بر همه مردم آشکار خواهد شد.

و نیز امام حسن (ع)با پذیرش صلح از بردار کشی و خونریزی که هدف اصلی معاویه بود و میخواست ریشه شیعه و شیعیان آل علی (ع) را بهر قیمتی هست، قطع کند، جلوگیری فرمود.

بدین صورت چهره تابناک امام حسن (ع) - همچنان که جد بزرگوار رسول الله (ص) پیش بینی فرموده بود - بعنوان مصلح اکبر در افق اسلام نمودار شد.

معاویه در پیشنهاد صلح هدفی جز مادیات محدود نداشت و میخواست که بر حکومت استیلا یابد.

اما امام حسن (ع) بـدین امر راضـی نشد مگر بدین جهت که مکتب خود و اصول فکری خود را از انقراض محفوظ بدارد و شـیعیان خود را از نابودی برهاند.

از شـرطهایی که در قرار داد صـلح آمده بود اینهاست: معاویه موظف است در میان مردم به کتاب و خدا و سنت رسول خدا (ص) و سیرت خلفـای شایسـته عمل کنـد و بعـد از خود کسـی را بعنوان خلیفه تعیین ننمایـد و مکری علیه امام حسن (ع) و اولاد علی (ع) و شیعیان آنها درهیچ جای کشور اسلامی نیندیشد.

و نیز سب و لعن بر علی (ع) را موقوف دارد و ضرر و زیانی به هیچ فرد مسلمانی نرساند.

بر این پیمان، خدا و رسول خدا (ص) و عده زیادی را شاهد گرفتند.

معاویه به کوفه آمد با افراد تا قرارداد صلح در حضور امام حسن (ع) اجرا شود و مسلمانان در جریان امر قرار گیرند.

سیل جمعیت بسوی کوفه روان شد.

ابتـدا معاویه بر منبر آمـد و سـخنی چنـد گفت از جمله آنکه: هان ای اهل کوفه، میپندارید که به خاطر نماز و روزه و زکوهٔ وحج با شما جنگیدم؟ با اینکه میدانسـته ام شـما به جنگ بر خواسـتم که بر شما حکمرانی کنم و زمام امر شما را بدست گیرم، و اینک خدا مرا بدین خواسته نایل آورد، هر چند شـما خوش ندارید، اکنون بدانید هر خونی که در این فتنه بر زمین ریخته شود هدر است و هر عهدی که با کسی بسته ام زیر دوپای من است.

بدین طریق عهد نامه ای را که خود نوشـته و پیشنهاد کرده و پای آنرا مهر نهاده بود زیر هر دوپای خود نهاد و چه زود خود را رسوا کرد سپس حسن بن علی (ع) با شکوه و وقار امامت – چنانکه چشمها را خیره و حاضران را به احترام وادار میکرد– بر منبر بر آمد و خطبه تاریخی مهمی ایراد کرد.

پس از حمد و ثنای خداوند جهان و درود فراوان بر رسول الله (ص) چنین فرمود:...به سوگند خدا من امید میدارم که خیرخواه ترین خلق برای خلق باشم و سپاس و منت خدای را که کینه هیچ مسلمانی را به دل نگرفته ام و خواستار ناپسند و ناروا برای هیچ مسلمانی نیستم... سپس فرمود: معاویه چنین پنداشته که من او را شایسته خلافت دیده ام و خود را شایسته ندیده ام.

او دروغ می گوید.

مـا در کتـاب خـدای عز و جـل و به قضـاوت پیـامبرش از همه کس به حکـومت اولی تریم و لحظه ای که رسول خـدا وفـات یـافت همواره مورد ظلم و ستم قرار گرفته ایم.

آنگاه به جریان غـدیر خم و غصب خلافت پـدرش علی (ع) و انحراف خلافت از مسـیر حقیقی اش اشاره کرد و فرمود: این انحراف سبب شد که بردگان آزاد شده و فرزندانشان – یعنی معاویه و یارانش – نیز در خلافت طمع کردند.

چون معـاویه در سـخنان خود به علی (ع) ناسـزا گفت، حضـرت امـام حسن (ع) پس ازمعرفی خود و برتری نسب و حسب خود و بر معاویه نفرین فرستاد و عده زیادی از مسلمانان در حضور معاویه آمین گفتند.

و ما نیز آمین می گوییم.

اما حسن (ع) پس از چند روزی آماده حرکت به مدینه شد.

معاویه به این ترتیب خلافت اسـلامی را در زیر تسلط خود آورده وارد عراق شد، و در سخنرانی عمومی رسمی، شرایط صلح را زیر پا نهاد و از هر راه ممکن استفاده کرد، و سخت ترین فشار و شکنجه را بر اهل بیت و شیعیان ایشان روا داشت.

امام حسن (ع) در تمام مدت امامت خود که ده سال طول کشـید، در نهایت شدت و اختناق زندگی کرد و هیچگونه امنیتی نداشت، حتی در خانه نیز در آرامش نبود.

سرانجام در سال پنجاهم هجری به تحریک معاویه بدست همسر خود (جعده) مسموم و شهید و در بقیع مدفون شد.

همسران و فرزندان امام حسن (ع)

دشمنان و تاریخ نویسان خود فروخته و مغرض در مورد تعداد همسران امام حسن (ع) داستانها پرداخته و حتی دوستان ساده دل سخنانی بهم بافته اند.

اما آنچه تاریخ های صحیح نگاشته اند همسران امام (ع) عبارتند از: ام الحق دختر طلحه بن عبیدالله - حفصه دختر عبدالرحمن بن ابی بکر- هند دختر سهیل بن عمد و جعده دختر اشعث بن قیس.

بیاد نداریم که تعداد همسران حضرت در طول زندگیش از هشت یا ده به اختلاف دو روایت تجاوز کرده باشند.

با این توجه که ام ولدهایش هم داخل در همین عددند.

ام ولد کنیزی است که از صاحب خود دارای فرزند میشود و همین امر موجب آزادی او پس از مرگ صاحبش میباشد.

فرزند آن حضرت از دختر و پسر ۱۵ نفر بوده اند بنامهای: زید، حسن، عمرو، قاسم، عبدالله، عبدالرحمن، حسن اثرم، طلحه، ام الحسن، ام الحسین، فاطمه، ام سلمه، رقیه، ام عبدالله، و فاطمه.

و نسل او فقط از دو پسرش حسن و زید باقی ماند و از غیر این دو انتساب با آن حضرت درست نیست.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹